

محاسبه درآمد در شروع کار

هر انسانی وقتی می خواهد کار جدیدی را آغاز نماید حتما به یک سوال مهم در ذهنش باید پاسخ داده شود.

درآمد موجود در این شغل چقدر است؟

کارگران و کارمندان که بندگان خدا عددی را می شنوند و به همان راضی می شوند بدون توجه به اینکه این عدد با توجه به تورمی که در کشور داریم حداقل به همان اندازه هم رشد نکرده پس وضعشان هر سال بدتر می شود.

اما مشاغل آزاد یک عددی را به صورت تصور برای خود در نظر می گیرند و طبیعتا محاسباتی دارند که ممکن است صد در صد هم به وقوع نپیوندد اما اکثرا می دانند هر چه باشد از کارگری و کارمندی به مراتب بیشتر است.

چند روز پیش تبلیغی دیدم از یکی از تاکسی های اینترنتی که نوشته بود در ماه ۶۰ میلیون تومان درآمد داشته باش.

با خودم گفتم این تاکسی اینترنتی، راننده را مانند یک ربات در نظر گرفته که از صبح خروس خوان تا بوق سگ باید رانندگی کند و در این میان نه غذایی بخورد و نه سرویس بهداشتی رود تا به چنین عددی برسد.

اما خب از آنجا که تبلیغات است و در تبلیغات باید بزرگنمایی شود تا مردم تهییج شوند تکنیک رایجی برای برندهاست و مردم هم می دانند که واقعیت چند درجه از تبلیغات پایین تر است.

به طور مثال زمانی تبلیغات یک بستنی را در تلویزیون می بینید که شخصی جلوی تلویزیون نشسته است و یک گاز از بستنی را همینکه زیر دندانش حس می کند منظره اتاق عوض شده و به یخبندان های سیبری منتقل می شود.

مطمئنا شما وقتی این بستنی را می خرید و در خانه نشسته و در حال تماشای تلویزیون این بستنی را گاز می زنید انتظار ندارید طی الارض نموده و به قطب شمال بروید و می دانید آنچه دیدید فقط تبلیغات بوده است و برند تبلیغ کننده را هم

دروغگو نمی دانید که بگویید قرار بود من با گاز زدن به قطب
شمال بروم پس حالا چرا نفرتم؟

می دانید که آنها فقط تبلیغات بوده است.

درباره درآمدهایی هم که در برخی شغل ها روز اول به شما گفته
می شود همین تبلیغات وجود دارد.

شما درباره بورس و رمز ارز و سرمایه گذاری ها تا دلتان بخواهد
از این تبلیغات می بینید و بعد واردش می شوید و سرتان کلاه
می رود و بعدا می گویید چرا این حالت که قرار بود پیش بیاید
نیامد و به شما می گویند آنچه دیدی تبلیغات بود.

شرکت ها حقوق کارمندشان را امروز حدود ۳۰ چهل میلیون
تومان می گویند و کسی که می خواهد راننده تاکسی شود حقوق
۶۰ میلیون تومان را می شنود، کسی که می خواهد مغازه ای
برای خودش باز کند تصوری در حدود ۱۰۰ میلیون تومان دارد و
حتی کسی که غذاخوری مثلا ساندویچ فروشی یا رستورانی راه
می اندازد به درآمد بیش از ۱۰۰ میلیون تومان امید دارد.

درآمد در تجارت

نکته بسیار جالب و البته دردناک اینست که کارگر و کارمند را بگویند ۳۰ چهل میلیون تومان باور پذیر است.

راننده تاکسی بگوید ۶۰ میلیون تومان مردم می پذیرند و این وعده را می گویند درست است و می شود به این عدد رسید.

به مغازه داری بگویند ۱۰۰ میلیون تومان و بیشتر درآمد دارد مردم باور می کنند.

شرکت های سرمایه گذاری و بورس و رمز ارز می گویند به درآمد بالای ۲۰۰ میلیون تومان می رسید مردم به سمت آن حمله ور

می شوند و کسی نمی پرسد اینها در طول این سال ها چه کسی را سرمایه دار کردند و اگر واقعا اینکاره اند همه مردم که حداقل

یک یا دو باری به این ها اعتماد کردند پس چرا اوضاع کشور ما اینقدر در فقر و فلاکت است؟

این عده های پر از فریب را در شغل های مختلف می پذیریم.

اما به تجارت که وعده پیامبر خداست که نه دهم ثروت در تجارت است و خداوند آن را نه بار در قرآن آورده و مردم را به آن تشویق نموده است و همچنین ۹۲ درصد ثروتمندان جهان تاجرند و نیز سرانه ده کشور ثروتمند جهان اینگونه نشان می دهد که از هر ۱۰ نفر حداقل یک نفر تاجر است می رسیم و می گوئیم درآمدی بیش از ۱۰۰ میلیون تومان دارد مردم می گویند اینها همه فریب و دروغ است.

دردناکتر اینجاست که شرکت های تبلیغاتی درآمد بالای ۱۰۰ میلیون تومان در تجارت را تبلیغات گمراه کننده می خوانند و اکثر آنها از درج آن اجتناب می کنند.

همه اینها در حالیست که درآمد واقعی در تجارت بیش از ۱ میلیارد تومان در ماه است اما از آنجا که مردم نمی پذیرند و اگر این عدد را بگویی در همان لحظه اول دروغ می پندارند آراد مجبور است برخلاف همه تبلیغات ها که خود را بزرگتر از حقیقت نشان می دهند تجارت را کوچکتر کند تا باور پذیر شود.

ریشه این درد از کجاست؟

چرا درباره شغل های دیگر این عدد قابل درک است اما درباره تجارت نیست؟

شما اگر در آمریکا باشید و بگویید درآمد ۱۰۰ میلیون تومان در حقیقت درباره درآمدی در حدود ۱۲۰۰ دلار صحبت می کنید که این درآمد یک کارگر ساده بسیار تنبل است.

در حالیکه در تجارت شما با خارجی ها در حال کار کردن هستید و برای یک تاجر درآمد زیر ۱۰۰ هزار دلار در ماه که به عدد فارسی در حدود ۸ میلیارد تومان است یک شکست بزرگ محسوب می شود.

حالا می گوییم آنجا آمریکاست و تاجر ایرانی شبیه تاجر آمریکایی نمی شود اما نصفش که می شود؟

یک سوم و یک چهارمش که می شود چرا خودزنی می کنیم؟

ریشه این درد از کجاست؟

ریشه درد از اینجاست که مردم ما را سال ها از تجارت دور نگاه داشته اند همان هایی که به صورت ژن خوب تجارت این مرز و بوم را به حالت انحصاری خویش در آورده اند و هر جا رسانه ای داشتند به بدگویی از تجارت و تاجران پرداختند.

هر فیلمی که تاجری در آن بود حتما یا دزد و کلاهبردار بود یا قاتلی که دستش تا آرنج به خون مظلومان آغشته است.

وقتی درک مردم درباره یک پدیده اینقدر پایین باشد نمی توانند آن را به درستی حتی تصور کنند چه رسد به اینکه در واقعیت بخواهند آن را بپذیرند.

عزیزان بزرگواری که این متن را می خوانید یقینا شما از بند آن رسانه ها تا حد زیادی آزاد شده اید و می توانیم با شما راحت تر سخن بگوییم پس لطفا کمی بروید و تحقیق کنید.

ببینید درآمد یک تاجر ایرانی در پایین ترین حالت چقدر است؟ تاجر ایرانی کمتر از یک میلیارد تومان درآمد داشته باشد بساز و بفروش می شود، نمایشگاه دار ماشین می شود و هزار کار دیگر.

چون برای خودش زشت می داند که او را تاجر داخلی و یا صادراتی بنامند و این عدد اندک بشود درآمدش.

اگر دانشجویی به رفیقش زنگ بزند و بگوید ۲۰ تومان برایم بزن و قید نکند منظور از این عدد به ریال است به تومان است به چیست رفیقش آن را ۲۰ هزار تومان در نظر می گیرد.

اگر کارمندی یا مغازه داری به رفیقش زنگ بزند و بگوید برایم ۲۰ تومان بزن آن را ۲۰ میلیون تومان در نظر می گیرد.

شما در تجارت اگر به رفیق تاجرتان بگویید به مشکل ۲۰ تومانی خورده ام یقینا می داند که صحبت از ۲۰ میلیارد تومان است و اگر بر فرض بگویید من ۲۰ میلیون تومان را برایت واریز می کنم مانند کسی که به او فحش بدی داده باشند دلخور می شود اما وقتی به کسی که درکی صحیح از تجارت ندارد بگوییم درآمد ماهانه تجارت بیش از یک میلیارد تومان است می گوید کلاهبرداریست و اگر بگوییم درآمدش ۱۰۰ میلیون تومان است می گوید بزرگنمایی کرده است و اینگونه شد که فقیر مانده ایم.